

کارناوال تبلیغاتی به جای کارنامه اقتصادی

همیشه همین‌طور بوده که در آستانه انتخابات، بعضی صداها بلندتر بوده و بر عکس تلاش بر این بوده که برخی صداها شنیده نشود!



گزارش خبری تحلیلی کیهان

کارناوال تبلیغاتی به جای کارنامه اقتصادی

همیشه همین‌طور بوده که در آستانه انتخابات، بعضی صداها بلندتر بوده و بر عکس تلاش بر این بوده که برخی صداها شنیده نشود! این وسط معمولا آن صدایی که قرار است شنیده نشود، صدای مطالبات مردمی است که چشم امیدشان به دست دولتمردان است. اینکه این نوع تفکر و زندگی از اساس درست است یا نه و اینکه باید از خودمان توقع داشته باشیم یا از دولتمردانی که سطح زندگی برخی از آنها، تفاوت ناچیزی در حد صدها میلیارد تومان با مردم عادی دارد، فعلا موضوع بحث ما نیست و یا اینکه اساسا می‌توان از کسی که کمترین تصویری از زندگی مردم عادی ندارد، انتظاری داشت یا نه! اما هرچه هست این نکته را نمی‌توان انکار کرد که مردم در اثر وعده‌ها و ادعاهای نامزدها به آنها رای می‌دهند و اینکه از یک کاندیدا به دیگری میل پیدا می‌کنند براساس همین وعده‌هاست.

اما امروزه و با گذشت دوسال و اندی از عمر دولت یازدهم، این‌گونه به نظر می‌رسد که دولتمردان اصلا دلشان نمی‌خواهد کسی به یادش بیاید که دوسال قبل آنها چه گفتند و مردم را به چیزهایی امیدوار کردند! آن‌قدر از این موضوع گریزانند که حتی هرگونه درخواست و مطالبه عادی مردم هم زیاده‌خواهی قلمداد می‌شود و معاون اول دولت معتقد است نباید توقعات مردم را بالا برد! او البته نگفت چه کسی زیاده‌خواهی کرده و چه کسی توقع زیادی داشته است اما مرور وعده‌های خوش آب و رنگ آن روزها و وضع موجود نشان می‌دهد که مردم توقع زیادی دارند یا کار نابلدی و بی‌برنامگی باعث بدتر شدن اوضاع مردم شده و به‌خاطر همین هر روز سرگرمی تازه‌ای برپا می‌شود تا کسی یاد وعده‌ها نیفتد! به عنوان نمونه، همین انتخابات مجلس را در نظر بگیرید. دولتمردان و رسانه‌های حامی آنها آن‌قدر از گسترش نشاط سیاسی سخن می‌گویند که گویی تاکنون در ایران دیکتاتوری بوده و اکنون به یمن حضور دولت یازدهم، دموکراسی تمام عیار در کشور حاکم است و به همین خاطر، روی ثبت نام بیش از 12 هزار نفر برای انتخابات مجلس شورای اسلامی مانور می‌دهند. آنها نمی‌خواهند به یاد بیاورند که در جریان انتخابات گذشته مجلس، هزاران نفر داوطلب نمایندگی ثبت نام کردند و مردم از بین آنها براساس سلیق و باورهای گوناگون دست به انتخاب زدند. اما دولتمردان علاقه‌ای به شنیدن حرفی به جز حرف خودشان ندارند و صد البته حرفهای امروزشان! وگرنه همه توان خود را به‌کار بسته‌اند که حرفهای دیروز اصلا به یاد نیاید! کدام حرف‌ها؟! ارزش از دست رفته!

مثلا نباید کسی به یاد بیاورد که در گرما گرم رقابت‌های انتخاباتی، همان روزهایی که حرف زدن هزینه‌ای نداشت و حتی احتمال ضرورت اجرای حرف‌ها و وعده‌ها هم به ذهن برخی نمی‌رسید، دکتر روحانی در استادیوم شهید شیرودی تهران در خیل انبوه حامیانش اعلام کرد «اگر می‌خواهید ارزش پول ملی بار دیگر به جایگاه واقعی خود باز گردد، به من رای بدهید» این وعده با غریو خوشحالی حاضران روبرو شد. دولت زمانی مستقر شد که دلار 2900 تومان بود و همه وعده‌ها هم حاکی از تک‌نرخی شدن ارز «به زودی» بود. اکنون دلار حدود 3700 تومان است! تلاش دولت برای بازگرداندن ارزش پول ملی همچنان ادامه دارد تا آنجا که در بودجه سال آینده هم دلار دولتی 2997 تومان پیش‌بینی شده و البته این پیام به بازار کار خودش را کرد و همین دو روز قبل دلار ناگهان سی تومان گران شد! طبیعی است که در چنین شرایطی، دولتی‌ها سعی می‌کنند کسی این وعده را به یاد نیاورد!

اعتباری که بازنگشت!

همان ایام و اتفاقا همان روزی که پیش از این اشاره شد، از رفتار دولت پیشین در مناسبات بین الملل گلابه‌های آنچنانی می‌شد و این‌گونه به مردم گفته می‌شد که این رفتارها باعث از دست رفتن اعتبار پاسپورت ایرانی در سراسر جهان شده و اکنون ایرانی‌ها در جهان بی‌اعتبارند! و اگر می‌خواهید اعتبار به پاسپورت ایرانی باز گردد، به من رای بدهید. این وعده هم مورد استقبال

جوانان و حاضران در مراسم قرار گرفت و همه سر مست از اینکه به زودی و در اثر دوستی با کدخدا، اعتبار پاسپورت ایرانی بازمی‌گردد و با ثروت افسانه‌ای که در اختیارشان قرار می‌گیرد، می‌توانند تعطیلات آخر هفته را در هر کشوری که می‌خواهند بگذرانند، در انتخابات شرکت کردند. اندکی بعد آثار بازگشت اعتبار به پاسپورت‌ها معلوم شد و آمریکا نماینده معرفی شده دولت یازدهم برای تصدی کرسی نمایندگی ایران در سازمان ملل را راه نداد! آنها در حالی که پیش از این هر ایرانی آزادانه به هرکجای جهان سفر می‌کرد، به پاس احترام پاسپورت ایرانی، نماینده مارا به اتهام تروریست بودن راه ندادند! دولتمردان مدتی به روی خودشان نیاوردند و سرانجام و با طولانی شدن پروسه جلب رضایت کدخدا و بی‌نتیجه ماندن مذاکرات مربوطه، خیلی خونسرد و راحت، نماینده دیگری را معرفی کردند و چشم خود را به این گستاخی آمریکایی‌ها بستند! اما ماجرا به همین جا ختم نشد و تاثیر وعده بازگشت اعتبار آن قدر زیاد بود که سر ریز آن نصیب چهل کشور دیگر هم شد! یعنی آمریکا به اتباع چهل کشور اعلام کرد که در صورت سفر به ایران، برای سفر به آمریکا دچار مشکل شده و در فهرست امنیتی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت! 38 کشور از این کشورها، آنهایی بودند که پیمان ترک روادید با آمریکا داشتند و این بی‌سابقه‌ترین رفتار آمریکا با دوستان خودش بود! در چنین شرایطی، همه زیر ساخت‌های گردشگری کشور، بی‌استفاده و معطل می‌ماند و بالاتر از آن، هیچ شریک تجاری و بازرگانی نمی‌تواند برای یک مذاکره ساده، یک معامله معمولی یا یک سرمایه گذاری نا قابل، پایش را به ایران بگذارد! واقعا انتظار دارید دولت علاقه‌مند باشد مردم خاطره این وعده را هم به یاد بیاورند!؟

همه چیز می‌چرخد!

در یکی از مناظره‌های انتخاباتی، سخن از چرخیدن چرخ سانتریفیوژها و چرخ زندگی مردم به صورت همزمان به میان آمد و خوب چه بهتر از اینکه هم شرف و عزت‌مان حفظ شود و هم زندگی مردم آسان و راحت بچرخد. هرکس به این وعده اعتماد کرده بود، با همین نگاه در انتخابات شرکت کرد. اکنون آن گونه که رسماً اعلام شده، و آن گونه که دانشمندان سابق اتمی کشورمان می‌گویند، باد با سرعت زیادی در تاسیسات اتمی می‌چرخد، از این جهت وعده دولت محقق شده و اگر سانتریفیوژ نمی‌چرخد، سرعت باد کم نیست و چرخش خوبی دارد! چرخ زندگی مردم هم که معلوم است و چنان می‌چرخد که هرچه مردم می‌دوند، به آن نمی‌رسند! شاید بهتر بود مسئولان در وعده خود تجدید نظر می‌کردند و اندکی سرعت چرخ زندگی را کم می‌کردند تا از این همه خوشی به عده بیشتری از مردم نصیبی برسد و جاماندگان و واماندگان، بی‌بهره نمانند! اکنون و با این سرعت، به نظر می‌رسد که دولت دوست ندارد مردم در خاطرات وعده‌های انتخاباتی بمانند و از پیشرفت و سرعت چرخ، عقب بمانند!

تورم تک رقمی، بنزین سه رقمی!

هنوز به یاد داریم که وعده داده شد که قرار است کاری کنند که به جای اینکه مردم دستشان را پیش دولت دراز کنند، دولت دستش را پیش مردم دراز کند و از مردم کمک بگیرد. چقدر این وعده شیرین و لذت بخش بود! یا مثلاً تورم بالا در شان ملت فرهیخته ایران نیست و باید تورم را تک رقمی کرد و البته رئیس جمهور محترم افزوده بود: «معیار و ملاک تورم هم، آمار و ارقام نیست بلکه معیار جیب مردم است» حقیقتاً چه وعده و قول و قراری از این بهتر؟! مردم باور کردند و رای دادند. اکنون حسب اعلام مراکز آماری، تورم کم شده! آن قدر که احتمالا تا نوروز سال آینده دچار تورم منفی بشویم و ناچار، برای رفع مشکل تورم منفی، چند همایش بین‌المللی برگزار کنیم! چشم‌اندازهای کنونی که این‌گونه می‌گوید! مثلاً تورم نقطه به نقطه که معلوم نیست از کدام یک از اجرام آسمانی نازل شده- یک رقمی و زیر ده درصد شده و در هر سخنرانی کمتر و کمتر می‌شود! تورم غیرنقطه به نقطه همان تورم اصلی و واقعی- هم که زیر پانزده و چهارده درصد شده و آن هم هرروز کمتر می‌شود. این وسط یکی دو اشکال کوچک وجود دارد که بزودی برطرف می‌شود و اصلاً جای نگرانی نیست! مثلاً و از جمله این اشکالات کوچک، گرانی تقریباً فصلی شیر و محصولات لبنی است که مهم نیست و برطرف می‌شود! یا گران شدن پنج باره قیمت بلیط قطار که البته به قول جناب وزیر راه با مقاومت عده‌ای نامسلمان مارکسیست و... مواجه شده و هنوز به آزادی کامل نرسیده است! از جمله چیزهای بی‌ارزش دیگر هم موضوعاتی مثل گرانی آب و برق، یا اقلام خوراکی و مایحتاج مردم است که بنظر نمی‌رسد هیچ یک مهم باشد! آنچه اکنون مهم است، تک رقمی شدن تورم است که باید برای آن جشن گرفت! البته نباید بیرسیم چرا تورم و قیمت‌ها رابطه عکس دارند و هرچه این کمتر می‌شود، آن دیگری بیشتر و بیشتر؟! نباید بیرسیم اگر تورم تک رقمی شده، اگر نفت یک سوم قیمت سال قبل شده، چرا باید بنزین- که به شهادت همه اندیشمندان و دانشمندان، یکی از مشتقات نفت است و قیمت آن ارتباط مستقیمی با بهای نفت دارد- هوس گران شدن بکند و ژنرال کابینه از یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های ملی و حتی بین‌المللی برای فروش بنزین با سه نرخ سخن بگوید؟! بنزین خالی! بنزین با طعم تنظیم باد و بالاخره بنزین با طعم تمیز کردن شیشه خودرو! آیا مسئولان محترم موفق شده‌اند همان اتفاق مذکور در بحث تورم- یعنی پایین آمدن نرخ تورم همزمان با لافرفتن قیمت‌ها را در عرصه نفت هم تکرار کنند و کاری کنند که هرچه قیمت نفت پایین‌تر می‌آید، قیمت بنزین بالاتر برود؟! این یعنی پیوند جدید علم اقتصاد دولت یازدهم با نفت که بی‌تردید جای تقدیر و ستایش دارد! صرف‌نظر از اینکه جیب مردم چه می‌گوید.

هوا خوب است، نفس بکشید!

مثلاً وعده شده بود که با آمدن ما آسمان آبی‌تر می‌شود و این چیزهایی که به اسم بنزین به خورد ماشین مردم داده می‌شود را جمع می‌کنیم و به‌جای آن بنزین خوب و پاک تحویل می‌دهیم. چه کسی است که هوای خوب دوست نداشته باشد؟! به این وعده هم اعتماد شد و به امید هوایی تازه و سالم، انتخابات برگزار شد و مردم رای دادند. دوسال گذشته و شهرها یکی پس از دیگری از نفس می‌افتند. تابستان‌ها ریزگرد، زمستان‌ها آلودگی و وارونگی و مه دود فو شیمیایی. نفس شهرها به شماره افتاده

و کسی حالی از مردم نمی‌پرسد! اوائل که همه گرم بودند، کلی هیاهو و جنجال شد بر سر بنزین پتروشیمی و آن‌قدر گفتند و نوشتند تا ریشه‌کن شد و خیال همه راحت شد. اما امروز کسی نمی‌پرسد شما که منشا آلودگی را حذف کردید و پا روی تولید ملی گذاشتید، حالا چرا آلودگی داریم؟! صد البته معاون محترم رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، در همین دوره تصدی خودشان خدمات زیادی داشتند که کوشیدند با سفر به قطب شمال، این تجربه را در اختیار مردم آن سامان هم قرار دهند! یا در همین ایام به شدت آلوده تهران، برای بررسی آب و هوای خلیج فارس، به جزیره زیبای کیش رفتند و از نزدیک با مشکلات اقلیمی آنجا و آب و هوای آن دیار در این فصل سال هم آشنا شدند! ایشان البته در ایام طوفان‌های تمام نشدنی که چهره استان کشور را درهم نوردیده بود، ترجیح دادند در تهران بمانند و با شیوه کنترل از راه دور امور را پیگیری کنند اما در همین ایام اخیر، آلودگی را ارث دولت قبل دانستند! به نظر میرسد عده‌ای چند بادکنک پر از هوای سالهای گذشته دارند که هر از گاهی برای بدنام کردن مسئولان دولت یازدهم، آنها را در شهرها باز می‌کنند و هوا را آلوده می‌کنند! و معلوم نیست چرا مسئولان امنیتی با دارندگان این بادکنک‌ها برخوردی نمی‌کنند!

فراوانی اشتغال، پایان رکود

همان ایام وعده داده می‌شد که باید برای اشتغال جوانان کاری کرد و نمی‌شود ما با واردات گسترده از چین، برای کارگران آن سامان شغل ایجاد کنیم. این حرف منطقی و نوید بخش، بارقه‌هایی از امید در دل مردم و بخصوص جوانان ایجاد کرد. بالاخره سرکار بودن بهتر از بیکاری است و نمی‌توان تا همیشه بیکار بود، لذا به امید رفتن به سرکار، به این وعده هم اعتماد شد. اکنون معاون وزیر صنعت از تعطیلی هشتاد درصد صنایع سخن می‌گوید! واردات از کشورهای دوست و برادر مثل آمریکا و چین، افزایش ناچیزی گاه تا حد صد در صد در اقلامی خاص داشته و دولت همچنان در حال اشتغال آفرینی است و حال اگر عده‌ای تنگ نظر ناراحتند، مشکل خودشان است! چه فرقی می‌کند کجا شغل ایجاد شده؟! همه جهان وطن ماست و مرزهای جغرافیایی نباید ما را از برادران آمریکایی و اروپایی و چینی و... جدا کند! اینجا و آنجا ندارد، مهم اشتغال است که ایجاد شده. حال اگر جوان ایرانی بیکار است، لابد از بی‌هنری خودش است یا شاید به قول جناب معاون اول رئیس‌جمهور، توقع زیادی دارند و نمی‌دانند در این شرایط سخت، نباید از دولت توقع زیادی داشت! اکنون رکود پایان یافته، چهار وزیر نامه‌ای به رئیس‌جمهور نوشتند و هشدار دادند، صنایع بزرگ و کوچک به یارانه تولید - که گفته می‌شود حتی یک ریال هم به کسی داده نشده - نیازی ندارند! و خلاصه تدبیر دولت درباره اقتصاد کاملاً جواب داده است و اوضاع روز به روز بهتر می‌شود.

ده‌ها وعده دیگر را می‌توان برشمرد که هرگز عملی نشد و نخواهد شد، افتخاراتی که از دست رفت و می‌رود مثل رشد پر شتاب و تاریخی علمی کشور که با تدبیر مسئولان، معکوس شده است.

در چنین شرایطی، هر چه مردم چیزی به یاد نیاورند بهتر است، هر چه از گذشته و از آن همه وعده داده شده سخنی نگویند، بهتر است و هر چه سرشان به چیزهای دیگر گرم باشد، مطلوب‌تر است این روزها بهتر است به جای کارنامه اقتصادی، کارناوال انتخاباتی به راه انداخت تا اصلاح طلبانی که موفق شدند در طول دو سال، این همه هنرنمایی در قوه مجریه بکنند، افتخار هنر نمایی در قوه مقننه را هم بدست بیاورند!